

بسمه تعالی

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد

مطالعات فرهنگی

عنوان:

خرده فرهنگ تبدیل خواهان جنسیتی در ایران

استاد راهنما: جناب آقای دکتر محمود شهابی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر محمد سعید ذکایی

دانشجو: فرزانه یعقوب

۱۳۸۶

سپاس پروردگار عظیم الشان را که نخستین مشوق انسانها، به سوی آموزش و دانایی است. او که بر قلبها حکمفرمایی می‌کند و به هر که خواهد، بی‌منت عطا می‌کند. او که اولین کلام وحی نازل شده بر پیامبر گرانقدر را، آموختن علم و دانش قرار داد. از او به جهت گشودن دری به سوی روشنایی و عبور از جهل و نادانی متشکرم و از اینکه مرا با گروهی از انسانهای دردمند آشنا ساخت و مشعل کنجکاو را در درونم افروخت و تا به نتیجه نرسیدن آن دمی آرام نگذاشت، ممنونم و به پاس این لطف بیکران، با خود عهد کردم که تمامی سعی خود را به کار برم تا آنچه را آموخته‌ام را به دیگران نیز بیاموزم و برای کمک به این عزیزان از هیچ کار مثبتی دریغ ننمایم .

با سپاس از زحمات استاد گرانقدرم، جناب آقای دکتر شهابی که با اشتیاق فراوان مرا در این تحقیق یاری نمودند و در این امر، نقش مهم راهنمایی را برعهده داشتند و نقطه نظرات ارزنده خود را ارائه نمودند .

باتشکر از جناب آقای دکتر ذکایی، که به عنوان استاد مشاور، این تحقیق را حمایت فرمودند. با قدر دانی از سرکار خانم دکتر احمدنیا که مسئولیت داوری این تحقیق را به عهده داشتند.

تقدیم به همسر عزیز و فرزندان گلم

که با متانت تمام، سختی‌های فقدان مرا در خانه، صبورانه تحمل کردند و در طی مراحل تحصیل و تحقیق حمایت نمودند.

تقدیم به روح مطهر امام خمینی، اولین مجتهدی که فتوای مجوز تغییر جنسیت را برای نجات تبدیل خواهان جنسیتی از برزخ وجودیشان صادر فرمود و نقطه‌ی عطفی را در تاریخ ایران اسلامی به یادگار گذاشت .

از کلیه دوستان تبدیل‌خواه جنسیتی که طی مصاحبه‌ها و هنگام پیاده کردن آن صمیمانه زحمت کشیدند و مرا در سختی‌های تحقیق (وپس از آن)، تنها نگذاشتند تقدیر و تشکر می‌کنم.

امید است که این تحقیق بتواند رسالت خود را در آگاهی رساندن و تنویر افکار عمومی و علی‌الخصوص دانش‌پژوهان محترم، به تمام و کمال ایفا نماید.

تقدیم به ارواح پاک پدر و مادرم که همیشه آرزوی موفقیت و سربلندی مرا داشتند ولی هم

اکنون نیستند تا شاهد به ثمر نشستن تلاشهایشان باشند .

چکیده

این پژوهش درصدد آشنایی بامسائل ومشکلات افرادی است که از نظر ظاهر مرد یا زن کامل هستند ولی جنسیت خود را قبول ندارند و سالهای سال با این موضوع به مبارزه برخاسته اند آنها برای به دست آوردن هویت خود از هیچ تلاشی رو گردان نیستند و تا به اثبات رساندن وجود خود (انطباق کامل روح و جسم) دمی آرام نمی‌نشینند و این آرامش محقق نمی‌شود مگر با عمل جراحی (تغییر جنسیت). به این افراد تبدیل خواهان جنسیتی می‌گویند. در این تحقیق سعی شده است تا به این سئوالات که " افراد تبدیل خواه جنسیتی چه کسانی هستند؟چه روایتی از خود دارند و چگونه فرایند هویت یابی راتجربه کرده اند ومشکلات آنها چیست؟و جامعه به آنها چگونه نگاه می‌کند؟ " پاسخ داده شود. چارچوب مفهومی بکار گرفته شده بر مبنای نظریه کنش متقابل نمادین استوار است. روش تحقیق از نوع کیفی براساس روش نظریه مبنایی است که دران از تکنیک مشاهده ومصاحبه عمیق استفاده شده است. تعداد افراد مصاحبه شونده در این تحقیق ۲۰ نفر است که سنین آنها از ۲۲ الی ۳۹ سال است با جنسیت های مرد به زن و زن به مرد . میزان تحصیلات آنها از زیر دیپلم گرفته تا دانشجوی پزشکی است . مصاحبه ها از نوع نیمه ساخت یافته است. روش نمونه گیری مورد استفاده از نوع نمونه گیری نظری است. تجزیه وتحلیل داده ها براساس مراحل کدگذاری و تحلیل داده ها در نظریه مبنایی (کدگذاری باز،محوری وانتخابی) صورت گرفته است. نتایج کدگذاری محوری در قالب ۶ مقوله عرضه شده است : ۱- شناسایی پدیده مرکزی ۲- شرایط علی ۳-زمینه ۴- شرایط مداخله گر ۵- استراتژی مواجهه ۶ - پیامدها

براساس نتایج این تحقیق خانواده هم اثر مثبت وهم اثر منفی در تعدیل رفتارهای پرخطر تبدیل خواهان جنسیتی داشته است. حمایت‌های دولت از این افراد نیز از بروز آسیب‌های اجتماعی، روحی - روانی آنها جلوگیری می‌کند. نقش آموزش همگانی جهت ارتقاء سطح آگاهی عمومی نیز از شدت اثر برچسب های ناروا نسبت به این افراد می‌کاهد و زمینه را برای رشد و خودیابی آنها فراهم می‌آورد.

چه کسی؟

چه کسی روح مرا می فهمد؟

« شعرها می گوید ، شعرها گفته همی

شعرها خواهد گفت شعری از جنس بلور ، شعری از جنس درخت ، شعری آرام و لطیف

شعری از جنس من و راز عجیب

ای عجب قافیه این بار نیامد موزون ، بیت اول زن و بیت دگرش مرد آمد !

مردم از شعر وجودم حیران بدرانند دو چشم ، مات و مبهوت بمانند به من

واندر این تاریکی من ز خود می پرسم : چه کسی روح مرا می فهمد؟

چه کسی از پشت بلندای سیاه جسمم روح پنهان مرا می شنود؟

چه کسی؟ چه کسی روح مرا می فهمد؟

آنکه بی فکر و مرض از گوشه چشم به من و روح نهانم خندید؟

آنکه بی حوصله گفت : تو نه اینی برو آن شو جانم؟

آنکه بی حکم بگفت : تو نباشی ، به از این است که اینگونه شوی

چه کسی روح مرا می فهمد؟

اندرین فکر به صحرای دلم رعدی زد

بیخود از خلق جهان بی خبر از جسمم کرد

ناگه از پشت دلم به نوایی آرام بشنیدم که کسی گفت چنین :

چشم از خلق بشوی تو بر آنی که چه کسی روح تو را می فهمد؟؟

پس بشنو آنکه گوشش لب ایوان دل است

آنکه هر لحظه نگهدار تو و جان تو است

آنکه روحت بسرشت ، آنکه راندت ز بهشت

تبدل خواهان جنسیتی آنکه حکمت ببرید و به جهان حبست کرد ، او

او خود از روح خودش در تو دمید ، و تو باز از پی آنی که چه کس روح تو را می فهمد!؟

کاش کاش این زمزمه تا روز ابد جاری بود

کاش این بیت عجیب از تن من خالی بود

ولی افسوس هنوز ، باز هم می گیریم ، باز هم می گویم :

چه کسی ... چه کسی روح مرا می فهمد «

"سروده شده توسط یکی از مصاحبه شوندگان این تحقیق"

صفحه	فهرست مطالب
۸	فصل اول : طرح تحقیق
۹	مقدمه
۱۰	طرح مساله
۱۲	ضرورت و اهمیت موضوع
۱۴	اهداف تحقیق
۱۵	سئوالهای اصلی تحقیق
۱۶	فصل دوم : مبانی نظری و پیشینه تحقیق
۱۷	مقدمه
۲۰	مرور مفهومی
۲۴	مرور تاریخی
۲۴	مروری بر پدیده تغییر جنسیت در ایران
۲۵	عصر حاضر / صدور فرمان تغییر جنسیت توسط امام خمینی (ره)
۲۶	مروری بر تغییر جنسیت از دیدگاه فقهی
۲۸	فتاوی علمای در خصوص تغییر جنسیت
۴۲	تغییر جنسیت از دیدگاه قوانین
۴۴	جداول موارد معاینات تعیین جنسیت به پزشکی قانونی
۴۸	مرور تجربی
۴۸	بررسی موضوع از دیدگاه روانشناسانه
۵۵	مرور نظری
۵۵	بررسی موضوع از دیدگاه جامعه شناسانه
۵۶	جرح هربرت مید
۵۷	روزنبرگ
۵۹	اروین گافمن
۶۰	نمایشنامه جنسی
۶۰	زبان
۶۱	خود / خود پنداره
۶۲	اجتماعی شدن / هویت
۶۳	بررسی موضوع در عصر حاضر

۶۴	تحقیق داگلاس میسون
۶۴	تحقیق خانم رایموند
۶۷	فصل سوم : روش تحقیق
۶۸	مقدمه
۶۹	دستیابی به چارچوب موضوعی
۷۱	کد گذاری باز
۷۱	کدگذاری محوری
۷۲	کدگذاری انتخابی
۷۲	تحلیل توصیفی
۷۳	تحلیل تبیینی
۷۳	مراحل گردآوری داده ها
۷۶	تکنیک و ابزار گردآوری داده ها
۷۹	جداول مشخصات مصاحبه شوندگان
۸۵	فصل چهارم : بازنمایی تبدیل خواهان جنسیتی در رسانه های داخلی و خارجی
۸۶	مقدمه
۸۶	بازنمایی در رسانه ها
۹۰	کلیشه های بازنمایی
۹۱	تبدل خواهان جنسیتی از دید و نظر مردم
۹۶	نگاه کارشناسان به موضوع
۹۸	بازنمایی به صورت رمان
۹۹	نگاه سینماگران به این پدیده
۱۰۴	فصل پنجم : یافته ها
۱۰۵	مقدمه
۱۰۶	مراحل زندگی ترنس F to M
۱۲۱	مراحل زندگی ترنس M to F
۱۳۶	فصل ششم : نتیجه گیری
۱۳۷	مقدمه
۱۳۷	نتایج حاصل از تحقیق
۱۴۴	پیشنهادهات

۱۴۵	منابع و مأخذ
۱۵۰	ضمائم
۱۵۱	وبلاگ های ترانسکشوالها(ضمیمه شماره ۱)
۱۵۲	سئوالات مصاحبه نیمه ساخت یافته (ضمیمه شماره ۲)
۱۵۶	نامه ای از یک تی اس (ضمیمه شماره ۳)
۱۵۸	زندگی یک ترانس سکشوال موفق به نقل از وب لاگ بر باد رفته(ضمیمه شماره ۴)
۱۶۲	بخشی از ماجرای عسل

فصل اول :

طرح تحقیق

یکی از طبقه بندی‌های اجتماعی عمده در هر جامعه‌ای جنسیت است. غالباً اولین سئوالی که در مورد یک بچه می‌پرسند این است که بچه پسر است یا دختر؟ در فرهنگ ما و سایر فرهنگ‌ها مجموعه‌ای از علائق، خصوصیات شخصیتی و رفتاری، زنانه یا مردانه تلقی می‌شود. کودکان در همان آغاز کودکی، این معیارهای فرهنگی را می‌آموزند. در قدیم کارهایی از قبیل آموختن سوارکاری، تیراندازی و شکار. رفتارهایی مردانه و به عکس کارهای بچه‌داری، خانه‌داری، آشپزی و... کاملاً رفتار زنانه تلقی می‌شد. و اینها همه از طریق آموزش والدین از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد. ولی در عصر حاضر که حیطه‌ی وظایف زنان و مردان به مرور زمان تغییر یافته و معیارهای رفتار زنانه و مردانه نیز دگرگون گشته، افرادی پیداشده‌اند که در این مرزبندیها جای نمی‌گیرند آنان از نظر جسمی به یک طرف و از نظر هویت درونی به گروه دیگر تعلق دارند بعضی از آنها از نظر ظاهر مردند ولی حرکات و رفتار زنانه از خود بروز می‌دهند و بعضی دیگر با ظاهری زنانه رفتار و برخوردی مردانه دارند. اینها از نظر هویت، برخلاف ظاهر خود هستند و برای اینکه به هویت اصلی خود برسند از سختی‌ها و موانع و صافی‌های زیادی عبور می‌کنند. آنها همه مشکلات را برای رسیدن به "خود" طی می‌کنند تا به آرامش برسند. آنها سراسر زندگی خود را به ستیز با ظاهر خود و مقاومت با طرز فکرهای خرافی و عامی مردم، سپری می‌کنند. این افراد تبدیل خواهان جنسیتی و یا تبدیل خواه جنسیتی نام دارند. در این تحقیق سعی شده تا با آنها بیشتر آشنا شویم و دری به سوی واقعیت زندگی آنها باز نماییم.

۱- ۲ طرح مساله

در جامعه ما افرادی وجود دارند که نتوانسته‌اند با جنسیت خود کنار بیایند و دائماً در حال چالش با جسم خود هستند و نهایتاً دست به تغییر جنسیت می‌زنند. این مساله برایم جالب بود که بدانم آنها کیستند و چه آرزوها و عقایدی دارند؟ چطور ممکن است یک فرد بتواند از بدن خود دست بشوید و خود را در اختیار جراح قرار دهد تا بدنش مورد سلاخی قرار بگیرد؟ و اجازه دهد که دیگران هرطور که خود دوست دارند در بدنش تغییراتی ایجاد نمایند؟ مگر انسان از جان خودش سیر شده است که با به خطر انداختن جانش تبدیل به هیبتی دیگر بشود؟ چه اتفاقی برای او می‌افتد که به چنین عمل خطرناک و دردناکی دست می‌زند؟ این مساله زمانی ذهن مرا به خود مشغول داشت که چندی پیش به طور اتفاقی با یکی دو نفر از آنها (که به وزارت بهداشت آمده بودند تا مشکل خویش را به گوش آقای وزیر برسانند) برخورد کردم و نحوه رفتار و برخورد آنها این سؤال را با خود به همراه آورد که آیا اینها مردند یا زن؟ زنانی درشت اندام، با آرایش غلیظ و صدایی بم برای هر بیننده‌ای سؤال‌برانگیز بود. لذا به دنبال این پرسش از دفتر زنان وزارت متبوع تحقیقاتی به عمل آوردم و آنها هم در پاسخ، توضیحاتی را درخصوص وضعیت این افراد و مشکلات مبتلا به آنان مطرح ساختند که باعث شد تا برای اخذ اطلاعات بیشتر دست به جستجو بزنم.

به زعم بسیاری از افراد که با تبدیل خواهان جنسیتی تا حدودی آشنا هستند، آنها همیشه شاکي و متوقع‌اند و برای اثبات هویت خود دست به هر نوع کاری می‌زنند و مرتب با دیگران هم درگیرند. ماموران نیروهای انتظامی آنها را به دلیل بی‌سربناه و رها بودن (به جرم فساد اخلاقی) در جامعه دستگیر می‌کنند و کسی هم متولی حمایت از آنها نمی‌باشد. چندسال پیش کمیته‌ای با حضور نمایندگان وزارت بهداشت (دفتر زنان)، وزارت کشور و وزارت رفاه برای رسیدگی به امور آنها تشکیل شد ولی تاکنون وزارت بهداشت هیچگونه فعالیت خاصی انجام نداده است و دفتر زنان هم تعهدی در قبال آنها به عهده ندارد. و اگر کمک‌هایی هم انجام گرفته، موردی بوده که فرد دچار مشکل، به علت آشنایی با پرسنل وزارتخانه، توانسته از کمک‌های مالی (هرچند ناچیز) و یا حمایتی برخوردار شود. ولی وزارت رفاه حمایت اصلی آنها را به عهده دارد.

این توضیحات برایم کافی نبود و هنوز این سؤال باقیمانده بود که آنها کیستند و چرا چنین‌اند؟ برای آشنایی بیشتر با آنها با دوستان و همکارانم به گفتگو پرداختم ولی به جای دادن اطلاعات درست، مرا از روبرو شدن با آنها برحذر داشتند و تهمتهایی را به آنها نسبت دادند که بسیار ناگوار بود لذا با خود عهد نمودم که تا آنها رانندیده و شناخته‌ام، نسبت به ایشان هیچ قضاوتی نکنم. بنابراین علیرغم هشدارهای دوستان درصدد پیدا کردن آنها برآمدم. ابتدا یکی از مسن‌ترینشان را پیدا نموده و تلفنی با وی به گفتگو پرداختم (جالب بود که از پشت تلفن معلوم نبود که گوینده زن است، او با صدای دورگه مردانه صحبت می‌کرد) با راهنمایی او توانستم مراحل قانونی منجر به تغییر جنسیت را دنبال نمایم.

پس از به دست آوردن اطلاعات، مراحل قانونی را پیگیری کردم تا بالاخره به مرکز تجمع آنها دست یافتم. با تلاش بسیار اعتمادشان را جلب نمودم تا به من اطمینان کنند. در مدت چندین ماه حضور مداوم در انجمن قانونی‌شان توانستم مصاحبه‌هایی را با خود آنها و بعضاً خانواده‌شان ترتیب دهم.

تعریفی که در وهله اول می‌شود از آنها بیان کرد این است که "آنها معمولاً از جنسیت خود ناراضی و بیزارند و به شدت سعی دارند برخلاف جنسیت خود رفتار نمایند. بعضی می‌گویند که شاید آنها در شرایط نادرستی بزرگ شده‌اند و نتوانسته‌اند با والدین خود همانندسازی داشته باشند. آنها از جنس خود ناراضی‌اند و برای نجات از وضعیت خود دست به تغییر جنسیت می‌زنند. با استفاده از هورمون تراپی و لیزر درمانی، خود را به جنس مورد نظر شبیه می‌سازند.

آنها افرادی هستند که تمایلات قوی و دائمی برای بدست آوردن نقش و وضعیت جنسی مقابل خود دارند و به طور مداوم در تلاشند تا هویت خود را تثبیت نمایند آنها دچار اختلال هویتند. آنها علی‌الظاهر به یک جنسیت تعلق دارند ولی آرزوی اصلی آنها پیوستن به گروه جنس مخالف است و این دوگانگی همیشه باعث سلب آسایش آنان می‌شود.

آنها از مشکلات، دردها، ناکامی‌ها، شادی‌ها، غم‌ها و انتظاراتشان سخن می‌گویند. آنها از انگشت‌نما شدن بیزارند از اینکه مردم انگ بدنامی به آنان می‌زنند و با منحرفان جنسی اشتباه گرفته می‌شوند ناراحتند. می‌خواهند آنچنانکه هستند شناخته شوند آنها می‌خواهند که مانند افراد سالم حق حیات داشته باشند و به زندگی عادی بپردازند. همیشه زیرنگاه مردم نباشند. از مورد سؤال قرار گرفتن بیزارند.

این افراد دو دسته‌اند: ترانس‌های "مرد به زن (ام تو اف)" و "یا" زن به مرد (اف تو ام)".

پای صحبت گروه اول که مینشینید می‌گویند که بارها و بارها آنرا به جرم بدحجابی گرفته‌اند. و پس از اینکه ملتفت شده‌اند که ترانس هستند عذرخواهی کرده‌اند ولی تا زمانیکه هویت اصلی آنها مشخص نشده، همیشه انتظار جلب و دستگیری را دارند. زیرا آنها بسیار تمایل دارند که از پوشش زنانه، زیورآلات و... به نحو اغراق آمیزی استفاده کنند و برای اینکه صورتشان، ماهیتشان را لو ندهد ناچارند از آرایشهای خیلی تند و غلیظ استفاده کنند زیرا اکثرا به دلیل نداشتن بضاعت مالی قادر به لیزر درمانی نیستند و مدام باید صورت خود را شش تیغه اصلاح می‌کنند ولی با این حال هم سبزی ریش و سبیل آنها از زیر خروارها پودر و کرم به چشم می‌خورد.

آنها مرتب از گذشته خود فرار می‌کنند و نمی‌خواهند گذشته پر از غم و ملال خود را بیاد بیاورند برای پوشاندن خود از دیگران به مبدل پوشی روی آورده‌اند. از خشم و غضب خانواده و اقوام خود می‌گریزند. باید مراقب خودشان باشند تا مورد سوءاستفاده‌ی جنسی قرار نگیرند. به این دلیل از نگاههای حریصانه بعضی از چپاولگران جنسی خود را پنهان می‌کنند. برای فرار از این همه دردسر به دنبال راه چاره می‌گردند.

البته بعضی از آنها نمی‌دانند که این مشکل را دارند و احساس گناه و عذاب وجدان آزارشان می‌دهد و تمامی عمر را با این دوگانگی می‌سوزند و می‌سازند و در مشکل خود دست و پا می‌زنند ولی گاهی مواقع به دلایل مختلف از وجود مشکل خود اطلاع حاصل می‌کنند و به دادگاه می‌روند و از خود و جنسیتشان شکایت می‌کنند. در آنجا پرونده‌ای تشکیل می‌دهند و طرح دعوی بر علیه خودشان می‌کنند ولی سردرگمی‌ها و طولانی بودن روند اداری جهت کسب هویت جدیدشان از آنها، افرادی غمگین و عصبی می‌سازد که با کوچکترین مطالبی از کوره در می‌روند و قصد دعوا و منازعه دارند و یا عده‌ای منزوی و افسرده می‌شوند و حتی دست به خودکشی می‌زنند و از ادامه راه باز می‌مانند. عده‌ای که خود را شناخته‌اند و برای حل مشکل خود قدم برداشته‌اند و تن به عمل جراحی داده‌اند، توقع دارند که مانند افراد معمولی جامعه باور شوند، می‌خواهند که مردم آنها را بپذیرند و مثل افراد عادی به زندگی ادامه دهند، بی‌آنکه مردم از گذشته‌شان سوالی بپرسند. کسب هویت آن چیزی است که برای رسیدن به آن تمامی تلاششان را می‌کنند و همه سختی‌ها را به جان می‌خرند تا در جامعه مشروعیت پیدا کنند و از نظر شغلی و معاشرت اجتماعی تا حدودی از مشکلاتشان کاسته شود.

من برای آشناسدن با آنها با بهره‌گیری از دانش و تجربه زیسته‌ی مددکاری و بصیرت مطالعات فرهنگی این گروه را تحت عنوان خرده فرهنگ، مورد بررسی قرار دادم .

۱-۳ ضرورت و اهمیت موضوع

پرداختن به موضوع تبدیل خواهان جنسیتی در جامعه ی ما از آن جهت مهم و ضروری است که بدانیم اعتقاد مردم به تمایز بین فرهنگ زنانه و مردانه و مطلق بودن مرز بین آندو، باعث شده که عده‌ای که در این فاصله قرار گرفته‌اند ناگزیر شوند دست به فرار بزنند و خود را در موقعیتهای خطرناکی قرار دهند که ممکن است باعث نابودی خود و یا دیگران شود. آنها برای زنده ماندن ناچارند یا سنگینی نگاههای مردم را به جان بخرند و یک عمر احساس بدبختی و بیچارگی را به دوش بکشند و از آنچه که حق خود می‌دانند دست‌بشویند و یا اینکه برای رسیدن به آن با خانواده و جامعه به مبارزه برخیزند.

اگر بدانیم که ممکن است بین مرزهای مطلق ما، جایی برای نسبی گرایی هم وجود داشته باشد، راحتتر می‌توانیم آنها را باور کنیم و حرفهای آنانرا بهتر درک کنیم. آنها در غربت و تنهایی خود دست و پا نمی‌زنند بلکه با اعتماد به نفس بیشتری به میان جامعه می‌آیند. آنان از ورود به جامعه نمی‌هراسند و دست به اعمال غیر اخلاقی نمی‌زنند.

"در تمامی جوامع می‌توان فرهنگهای نسبتاً جداگانه مونث و مذکر؛ و بعضاً در بعضی از جوامع فرهنگهای هم جنس گرا را متمایز کرد. یعنی برای مطالعه فرهنگ جنسی لازم است آن را در تعدادی از سطوح متفاوت بررسی نمود، که این امر نظریه‌ای کردن فرهنگ جنسی را با دو مشکل اساسی مواجه می‌نماید.

اول، فرهنگ‌های مونث و مذکر چه رابطه‌ای با تمامیت فرهنگ جامعه دارند، چگونه با یکدیگر، با فرهنگ‌های هم جنس گرا و با فرهنگ مسلط ارتباط برقرار می‌کنند؟

دوم، چگونه این فرهنگ‌های جنسی "جداگانه" با بعد جنسی فرهنگ در سطحی کلی تر ارتباط برقرار می‌کنند؟

زیرا جنس فقط یک مقوله اجتماعی نیست، بلکه نسبی و عقلانی است: زن‌ها و مردها به مانند گروههای اجتماعی در ارتباط با یکدیگر تعریف می‌شوند.

بعد جنسی فرهنگ درگیر این نسبی گرایی است و پنداشت علاقه جنسی به جنس مخالف یک راه بیان آن است. به طور مشابه، فرهنگ هم جنس گرایی باید در ارتباط با فرهنگ علاقه جنسی به جنس مخالف درک شود. این که فرهنگ جنسی شده است به این معناست که مجسم کننده و نمایاننده عقاید، باورها و اعمالی درباره نقش، کار و اوقات فراغت و تمایلات جنسی مردان و زنان می باشد. (جواهری/۱۳۸۵: صفحه ۲۰۱)

در بررسی وضعیت دگرجنسیت جوها باید توجه کنیم که آنها نیازهایی دارند و برای ارضای آن باید بستر مناسبی فراهم شود تا بتوانند مانند افراد عادی با مردم ارتباط حاصل نمایند و مشکلات خود را برطرف نمایند .

هم اکنون چندین ارگان دولتی مانند نیروی انتظامی، کلانتری، دادگستری ، سازمان بهزیستی، وزارت بهداشت، وزارت کار ... درگیر رسیدگی به مشکلات بوجودآمدهی افراد مذکور هستند. توجه به ساختار خانواده‌های این افراد و نوع آسیبهایی که دیده‌اند می‌تواند تجربه ی مفیدی باشد که از آن در جهت برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی دیگر افراد تبدیل خواه جنسیتی که هنوز مورد شناسایی واقع نشده اند ، بهره گیری نمود. در این تحقیق سعی شده است تا به ظریف ترین جزئیات زندگی آنها توجه شود و از تجربه زیسته خودشان برای کمک به آنها و دیگران بهره گرفت. آنها به هویت جنسیشان اشاره می‌کنند که این مساله به سه عامل بستگی دارد:

۱- آلت تناسلی فرد که از نظر فیزیولوژیک ممکن است از هفته ششم زندگی جنینی فعال شود.

۲- نگرشهای والدین

۳- گرایشهای فرهنگی .

دو عامل آخر ممکن است برقراری احساس مردانگی یا زنانگی را دچار پیچیدگی سازد که در صورت درست و استاندارد عمل کردن این دو شخص دارای هویت جنسی با ثباتی خواهد شد.

پژوهش حاضر در پی آن است تا از منظر مطالعات فرهنگی به گوشه‌هایی از زندگی این افراد توجه کند و این پدیده را در جریان زندگی روزمره آنها مشاهده کند. مطالعات فرهنگ عامه سعی دارد که برمبنای پنداشت مردم شناسانه از فرهنگ به عنوان شیوه زندگی به بررسی این افراد بپردازد و تا حد امکان به واکاوی هویت، کنش و منش آنها از این منظر بپردازد. قصد این است که بدون

ارزش‌گذاری اخلاقی یا اجتماعی برکنش‌ها و نظرات تبدیل‌خواهان جنسیتی، رفتارهایشان مورد بررسی قرار بگیرد و با استفاده از صحبت‌هایشان به شناخت دقیق‌تری از آنها دست یافت.

۱-۴ اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق عبارت است از:

- شناخت مسایل و مشکلات شناسایی افراد تبدیل‌خواه (تبدل‌خواهان جنسیتی) در دو مرحله قبل و بعد از عمل جراحی تغییر جنسیت
- شناسایی شیوه‌های مواجهه آنان با مشکلات خود در خانواده، محل کار و اجتماع و بررسی علل و پیامدهای حاصل از انتخاب آن استراتژی‌ها

۱-۵ سئوالهای اصلی تحقیق

- تبدیل‌خواهان جنسیتی چه کسانی هستند؟ به عبارت دیگر، آنها چه روایتی از خود واقعی‌شان دارند؟
 - تبدیل‌خواهان جنسیتی بعنوان یک خرده فرهنگ چه ویژگی‌هایی دارند؟ (در مقایسه با فرهنگ جنسی غالب در کشور)
 - تبدیل‌خواهان جنسیتی چگونه فرآیند هویت‌یابی و هویت‌سازی مجدد خود را تجربه می‌کنند؟
 - تبدیل‌خواهان جنسیتی در مراحل مختلف تغییر جنسیت با چه مسایل و مشکلاتی مواجه هستند؟
 - دگر جنسیت جوانان خانواده، دوستان و جامعه را چگونه می‌بینند؟
- پاسخ سئوالات فوق را در بخش یافته‌های تحقیق جستجو می‌کنیم در این تحقیق حتی‌الامکان سعی شده است هر چه بیشتر با دیدگاه‌ها و عقاید و باورهای آنان نزدیک شویم و از دید آنها به مشکلات نگاه کنیم. بنابراین، با تعمق و بی‌کم و کاست به نقل قول‌ها و داستان‌ها و روایت‌هایی که از خود و مشکلاتشان دارند، توجه خواهیم کرد.

فصل دوم :

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مقدمه

شناخت اشخاصی که دچار مشکل اختلال در هویت جنسی هستند یک «کشف مدرن» نیست بنابر مطالعات انجام شده می‌توان به وضوح گفت که سابقه‌ی طولانی از این پدیده در آثار قدما موجود است. می‌توان به پاسخهایی که مولای متقیان به افرادی که در مورد تقسیم ارث و تعیین سهم‌الارث برای این قبیل افراد را مطرح کرده بودند، اشاره نمود. ولی آنچه به این موضوع رنگ و بویی جدید می‌بخشد، احقاق حقی است که از آنان دریغ شده بود و آنها پس از دریافت فتوایی از امام خمینی (ره)، خواستار رسیدن به حق خود هستند و دست نیاز به سوی مراجع ذیصلاح دراز می‌کنند

جنسیت در فرهنگ‌های گوناگون به شیوه‌های متفاوت ادراک، تفسیر و ارزشگذاری می‌شود. معمولاً دو جنس زن و مرد در همه‌ی فرهنگها قابل تمایز است و بسته به نوع فرهنگ هر جامعه، خصوصیات، علایق، رفتارها و حرکات مخصوص به خود دارند. ولی افرادی وجود دارند که به آنها تبدیل‌خواهان جنسیتی گفته می‌شود. آنها در واقع واسطه بین زن و مرد هستند

در این میان هم بودند افرادی که در مسافرتها و ماموریتها و یا در محیط‌های یکدست زنانه (مانند خوابگاه‌ها) و یا مردانه (مانند خوابگاه‌ها و سربازخانه‌ها) به دور از خانه و کاشانه‌ی خود، تحت فشار و زور هم‌نوعان، نیازهای جنسی همجنس خود را برآورده می‌ساختند. با این کار دیگر خود را بدنام به حساب می‌آوردند و اگر میل و امیدی هم به بازگشت در وجودشان بود، با این عمل به کلی گرد یاس برآن پاشیده می‌شد و پلهای پشت سرشان را خراب شده می‌دیدند. آنچه به نظر می‌رسد این است که معمولاً این قبیل افراد در میان دیگران گم و ناپیدا بودند و به عنوان بیمارانی که از جنسیت خود بیزار باشند، مطرح نبودند. هیچکس آنها را نمی‌شناخت و اگر حرکات و رفتاری هم از آنها صادر می‌شد با انگه‌های مختلف و رفتارهای تند و گزنده‌ی مردم در نطفه خفه می‌شد و قدرت ظهور و بروز پیدا نمی‌کرد.

ولی با ورود به دوران مدرنیته و درهم شکسته شدن مرزها و ازدیاد مهاجرت و هجوم مردم به گردشگری و جهانگردی؛ باز شدن مرزهای کشورها و برخورد ملل مختلف با هم و تزریق فرهنگ‌های جهانی از طریق رسانه‌های جمعی و اینترنت و ماهواره‌ها، رشد روزافزون مطالب علمی در عرصه‌های مختلف من جمله مفتوح شدن دربهای علوم و توسعه یافتن شاخه‌های تخصصی در روانپزشکی، پزشکی و جراحی‌های بی‌نظیر و زیبایی؛ راه را برای ابراز عقیده باز کرد و شعله‌های امید را در قلبهای نا امید

روشن ساخت. زمان تراوشات افکار وامیال خفته درونی فرا رسید و در این زمان، هویت‌ها شناخته شد و هرکس برای اثبات وجود خود، قدم برداشت. هرکس برای نشان دادن جوهره وجود دست به اقداماتی زد تا به رسمیت شناخته شود. بدنبال جنبشهای اجتماعی (که از جمله آن جنبش فمینیستی، بود) برای به رسمیت شناختن زنان قد علم کرد و برعلیه فشارهای جوامع پدرسالارانه به مبارزه برخاست در پی آن حریم‌ها و حرمت‌های موجود درهم شکسته شد، رابطه‌های خانوادگی کم کم سست و از هم گسیخته شد، مساله‌ی ارتباطات آزاد و برابری جنسی از سوی زنان در غرب مطرح شد. آنها با بهره‌گیری از رسانه‌های گروهی به تبلیغ پرداختند. بدین وسیله رفتارها و حرکاتی که تا چندی پیش در خلوت‌ترین قسمت منازلشان انجام می‌گرفت، به معرض نمایش همگان گذاشته شد. ارتباط از طریق اینترنت و وبلاگها این امکان را به کاربران داد تا دردها و آلام و تجارب خود را به شور بگذارند و احساس تنهایی خود را با دیگران تقسیم کنند و تمام توانایی‌های خود را برای به نمایش گذاردن به کار گیرند. بدین ترتیب بینندگان و مخاطبین آنها در سراسر گیتی از طریق رسانه‌های جمعی با این قبیل افراد و فرهنگها و خواسته‌هایشان آشنا شدند. دراین میان گروه‌های ترانسکسوال (تبدل‌خواهان جنسی) فرصت یافتند تا به بازنگری خود بپردازند و از حقوق خود دفاع کنند. آنها صدای خود را به گوش جهانیان رساندند و تقاضای خود را مبنی بر تمایز مرز خود با همجنس‌گرایان (گی‌ها و لزبین‌ها) مطرح ساختند. آنها به خود آمدند و متوجه تفاوتها و تمایزات خود با هم جنسان خود شدند آنها دریافتند که علیرغم داشتن ظاهر بدنی مشابه دیگر همجنسان، ولی باطنی متفاوت با آنان دارند و خود را متعلق به جنس مخالف می‌پندارند .

گاه لازم است که برای اثبات هویت با خود و خانواده و دوستان و اقوام مبارزه کنند و گاهی برای نشان دادن جنسیت متضاد خود دست به رفتار و حرکاتی بزنند که بسیار اغراق‌آمیز و زننده است.

به هر حال آنان می‌خواهند از روزنه‌ی به وجود آمده بیشترین استفاده را ببرند. مجالی به وجود آمد تا بغض فرو خورده‌ای که سالیان سال در وجودشان حبس شده بود و درخفا با اشک و آه و افسوس به گلویشان فشار می‌آورد، بازنمایی شود. آنها برای خود به دنبال چاره برآمدند صدایشان از زیر خروارها لایه تاریخی، از گودال درون بیرون آمد. دیگران این صداهای ضعیف را شنیدند و با صدای خود درهم آمیختند و به باز تابش پرداختند. صداها به هم پیوست و تا حدودی نگاهها و گوشهای جامعه را به لرزش درآورد. آنان برای رسیدن به آمال و آرزوی دیرینه‌ی خود با بهره‌گیری از دانش

جراحی پلاستیک، دست به جراحی زدند. این بهترین موقعیت برای نزدیک شدن به هویت درونی‌شان بود برای رسیدن به آرامش درونی قدمهای اولیه برداشته شد. اکنون کمتر جامعه‌ای است که این نداها را نشنیده و آنها را ندیده باشد جامعه ما نیز از این قاعده مستثنی نیست .

در این تحقیق با مفاهیمی سروکار داریم که بهتر است ابتدا در مورد هر یک تعاریفی داشته باشیم. سپس این پدیده را در دو بخش تاریخچه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در قسمت اول از دیدگاه روان شناسان، سپس منظر جامعه‌شناسان بخصوص با رویکرد کنش متقابل نمادین، به این موضوع نگاه می‌کنیم و همچنین تحقیقاتی که در غرب انجام گرفته و نتایج به دست آمده از تحقیقاتشان را مورد مطالعه قرار دهیم.

مرور مفهومی: مفاهیم اصلی تحقیق

در اینجا سعی داریم تا با مفاهیمی که در تحقیق به آنها اشاره می‌شود، بطور مختصر آشنا شویم، لازم است توضیح داده شود که واژه‌ی تبدیل خواهان جنسیتی، ترانسجندر در زبان فارسی و عربی هم مصادیقی دارد که مطالعه خواهید نمود:

نام دیگر این افراد نارضایان جنسی، دگرجنسیت جوها، تغییرجنس خواه‌ها، تبدیل خواهان جنسیتی می‌باشد. آنها افرادی هستند که تمایلات قوی و دائمی برای بدست آوردن نقش و وضعیت جنسی مقابل خود دارند و به طور مداوم در تلاشند تا هویت خود را تثبیت نمایند به عبارتی می‌توان گفت که دچار اختلال هویتند. آنها علی‌الظاهر به یک جنسیت تعلق دارند ولی آرزوی اصلی آنها پیوستن به گروه جنس مخالف است و این دوگانگی همیشه باعث سلب آسایششان می‌شود.

عنوان این تحقیق از واژه‌ی تبدیل خواهان جنسیتی گرفته شده است و به نظر می‌رسد که این واژه گویای خصلت این افراد باشد که آرزو دارند. برای رسیدن به آرزوی دیرینه شان بدن خود را تا حد امکان با درمان هورمونی یا به روش جراحی مشابه جنس مقابل نمایند.

درفارسی واژه‌های دیگری چون "واخواهر"؛ "مرد زن نما"؛... زیاد به کار برده می‌شد و این قبیل کلمات برای خفیف کردن اشخاص به کار می‌رود حتی جملاتی مانند "خدایا زخم کن که طاقت مردی ندارم" از آن دست ضرب‌المثلهاست که در مورد افرادی مصداق پیدا می‌کند که طاقت مسئولیت سخت مردان (به دوش کشیدن مسئولیت امرار معاش خانواده) را ندارند و به اصطلاح می‌گویند ادای زنان را در می‌آورند تا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند.

اصطلاح در عربی

در عربی کلماتی مانند خنثی، تغییرالجنسیت، خنثی بعنوان مشکله مترادف واژه‌ی تبدیل خواهان جنسیتی وجود دارد.

خنثی: به افرادی گفته می‌شود که نه زن هستند و نه مرد و یا هردو آلت زنانه و مردانه را باهم دارا می‌باشند و برای تشخیص نوع جنسیت آنها به گونه‌ای که بعدا خواهد آمد عمل می‌کنند.
خنثی مشکله: به افرادی اطلاق می‌شود که با وجود دستورات متعدد امکان تشخیص جنسیت وجود نداشته باشد در آنصورت به احکامی که بعدا خواهد آمد عمل می‌کنند.